

به نام
پروردگار
یکتا

تربس ونفرت در لالیگا

سید لو
Sid Lowe



ترجمه‌ی
ماشاله صفری
طاها صفری





فهرست مطالب | Fear and Loathing in LaLiga

۷	فصل اول: صبح روز بعد
۹	فصل دوم: شب گذشته
۳۱	فصل سوم: رئیس فقید
۴۵	فصل چهارم: رئیس فراموش شده
۶۳	فصل پنجم: تطهیر
۸۵	فصل ششم: دون سانتیاگو
۹۹	فصل هفتم: خانه‌ای که لازلو ساخت
۱۱۷	فصل هشتم: انتقال قرن
۱۳۵	فصل نهم: پیکان بور
۱۵۳	فصل دهم: نسخه‌ی اصلی آقای خاص
۱۷۵	فصل یازدهم: بهترین سفیری که داشتیم
۱۸۹	فصل دوازدهم: سوت زن
۲۰۵	فصل سیزدهم: یوهان کرویف فوق ستاره
۲۲۷	فصل چهاردهم: دسته‌ی کرکس‌ها
۲۴۹	فصل پانزدهم: تیم رویایی
۲۷۹	فصل شانزدهم: همیشه منفی
۲۹۵	فصل هفدهم: سی و دو سال بعد
۳۱۳	فصل هجدهم: و خوک‌ها پرواز کردند
۳۴۱	فصل نوزدهم: توپ جمع کن و مترجم
۳۷۶	تصاویر



صبح روز بعد

فصل یکم

مرگ و زندگی، و میان آن دو فوتبال. یک سمت زایشگاه و سمت دیگر گورستان، وسط این دو نیوکمپ^۱: بزرگترین ورزشگاه اروپا. در گورستان لِس کورتس^۲، قبرها ردیف ردیف روی یکدیگر چیده شده‌اند، مثل یک کتابخانه با هفت متر ارتفاع. یک نردبان چنان به این دیوار تکیه داده است که گویی منتظر کتابداری است تا از آن بالا رفته و به کتابی در قفسه فوقانی برسد. در این قفسه‌ها ۲۸,۳۹۹ گوروچود دارد، محیطی به مساحت ۳۴,۴۱۷ متر مربع و میان آن‌ها چند تن از بزرگترین بازیکنان تاریخ باشگاه بارسلونا خفته‌اند. پائولینو آلکانتارا^۳ بهترین گلزن تاریخ باشگاه، کسی که بازنشسته شد تا تبدیل به پزشکی در خیابان‌های فقیرنشین باری زینو^۴ در رامبلاس^۵ شود. سزار رودریگوئز^۶

Camp Nou-۱

Les Cortes-۲

Paulina Alcantara-۳

Bari Xino-۴

Ramblas-۵

Ceaser Rodriguez-۶

مردی که در جدول گلزنان بارسا پشت سر آلکانتارا و لیونل مسی^۱ قرار دارد. جوزپ سمیتیر^۲ جادوگر؛ بازیکن و مدیر ورزشی بارسلونا و رئال مادرید. و خاویر اوروتیکوچه^۳ دروازه‌بانی که قهرمانی لیگ را بعد از ۱۱ سال حسرت به همراه تری ونه پلز^۴ به دست آورد. اولین قهرمانی بارسلونا در دوران دموکراسی و جمله‌ای به یاد ماندنی که آن روزها در رادیو فریاد زده شد: «دوستت داریم اوروتی!» از کنار قبر لازلو کوبالا^۵ بازیکنی که می‌گویند نیوکمپ را ساخته، کسی که مجسمه‌اش با آن عضلات در هم پیچیده در ورودی استادیوم قرار دارد، می‌توانید قسمت شمال نیوکمپ را که از بالای دیوار گورستان بیرون زده ببینید. خولیو سزار بنیتز^۶ هم این جاست، او درست سه روز قبل از رویارویی بارسلونا و مادرید در ۱۹۶۸ بر اثر مسمومیت غذایی از دنیا رفت. امروز صبح روز بعد از مسابقه‌ی بارسلونا و مادرید است، ۴۴ سال بعد. حالا این جا ساکت و خلوت است و خورشید می‌درخشد.

«باید دیروز این جا را می‌دیدید.» زنی که این جا کار می‌کند، می‌گوید. او راهنمای مردم است. راهنمای مسیر پر پیچ و خم گورستان، از میان رُزهای روی سنگ قبر کوبالا و پرچم‌های سه گوش، از میان عکس‌ها و روبان‌های قرمز و زرد کاتالان و آبی-اناری بارسلونا که در هم می‌گورستان دیده می‌شود.

– چطور؟ دیروز چه اتفاقی افتاده؟

«همان اتفاقی که وقتی با رئال مادرید بازی می‌کنیم می‌افتد.» او جواب می‌دهد و با سرش به استادیوم اشاره می‌کند: «این جا پر از آدم‌هایی بود که به دیدار فامیل و دوستان خود آمده بودند، از قبر بازیکن‌ها هم دیدن می‌کردند، از آن‌ها برای بازی کمک می‌خواستند، پیروزی می‌خواستند.»

۱- Lionel Messi

۲- Josep Samitier

۳- Javier Urruticoechea

۴- Terry Venables: مربی بزرگ انگلیسی که علاوه بر بارسلونا مربی تیم‌های انگلستان، تاتنهام، چلسی و استرالیا نیز بوده‌است

۵- Laszlo Kubala

۶- Julio Cesar Benitez

شب گذشته

فصل دوم



یکشنبه ۱۷ اکتبر ۲۰۱۲، بارسلونا مقابل رئال مادرید، هفته‌ی هفتم لیگ اسپانیا. این اولین رویارویی فصل بین بزرگترین دشمنان دنیای ورزش است. دشمنی‌ای که سمبلی از دشمنی خارج زمین فوتبال است. صبح روز بازی، تیترو روزنامه‌ی کاتالان، لاوانگواردیا پرسید: «فقط فوتبال؟» همه پاسخ را می‌دانستند، بارسلونا در مقابل رئال مادرید هرگز «فقط» فوتبال نیست و امروز کمتر از همیشه فوتبال است. این رویارویی سیاسی‌ترین مسابقه جهان است. مخصوصاً از زمان مرگ ژنرال فرانسیسکو فرانکو^۲ در ۱۹۷۵.

بازی در سایه‌ی بحران اقتصادی برگزار می‌شود، در سایه‌ی شکست مذاکرات

۱- La Vanguardia

۲- Francisco Franco: ژنرال فرانسیسکو فرانکو، در رژیم دیکتاتوری پریمو د ریورا با ۳۳ سال جوان‌ترین ژنرال در اروپا بود. پس از استعفای ریورا و سقوط حکومت پادشاه آلفونسو سیزدهم، اسپانیا به دوره‌ی دوم «جمهوری» رسید. از سال ۱۹۳۱ که جمهوری روی کار آمد، فرانکو دیکتاتوری (و نوعی از پادشاهی) را ترجیح می‌داد اما در انتخابات ۱۹۳۶ که حزب راست با اختلافی ناچیز ریاست جمهوری را به چپ باخت، فرانکو علیه سیستم برخاست و کودتای ناقصی انجام داد. با این کودتا کشور وارد جنگ‌های داخلی شد و تا سال ۱۹۳۹ و پیروزی فرانکو در آن، بیش از نیم میلیون نفر کشته شدند. اسپانیا بعد از جنگ در دیکتاتوری اداره شد تا روزی که فرانکو چشم از دنیا فرو بست، یعنی ۱۹۷۴. در ادامه از او بیشتر خواهید خواند

مالیاتی بارسلونا و مادرید و صحبت‌های انتخاباتی *رفراندوم* برای استقلال کاتالان. سه هفته از روز استقلال کاتالان گذشته است. یازدهم سپتامبر روزی که نزدیک به یک و نیم میلیون نفر در خیابان‌ها، شهر را تعطیل کردند. در میان آن‌ها رئیس باشگاه بارسلونا ساندرو روسل^۱ هم حضور داشت. او اصرار داشت به دلایل شخصی آن جاست. اما طرح موزاییکی قبل از مسابقه‌ی امروز *سینیرا*^۲ است، همان پرچم کاتالان. به نظر می‌رسد از این کار منظور خاصی دارند. صد هزار نفر کارت‌های زرد و قرمز در دست گرفته‌اند و همه‌ی استادیوم را پوشش داده‌اند. عده‌ای از طرفدارها پرچم استقلال کاتالان مزین شده به ستاره‌ای را به همراه دارند که آن‌ها را به خوان لاپورتا^۳، رئیس سابق نسبت می‌دهد.

هفته‌ها و ماه‌هاست رسانه‌ها در مورد کاتالان می‌نویسند. شکاف عمیق بین این دو کاملاً آشناست. روزنامه‌ی راستی *لاروزان*^۴ یک روزنامه پرسرو صدا و مدافع اتحاد اسپانیا، ۲۷ صفحه مطلب سیاسی تدارک دیده بود، فقط برای این که ثابت کند این بازی سیاسی نیست.

اِل موندو^۵ هم که مخالف تجزیه طلبی است یک معمای ۲۰۰۰ ساله را حل کرد که در حقیقت عیسی مسیح را کاتالان‌ها کشته‌اند!

قبل از آغاز بازی، بارسایی‌ها یک سرود مذهبی (کلیسایی) قدیمی می‌خواندند. دو پرچم غول‌آسای راه راه قرمز و زرد کاتالان همچون بادبان در دو سمت استادیوم در اهتزاز بود. پرچم استقلال کاتالان در سراسر استادیوم دیده می‌شد. تابلویی به زبان انگلیسی اشاره به کشور بعدی اروپا بودن کاتالونیا داشت، اما سرود ملی کاتالان، اِل سِگادورس^۶، اشاره به نبرد سال‌های آغازین دارد، جنگ ۱۶۴۰ زمانی که کاتالونیا فلیپ چهارم را شکست داد و استقلال خود را تحت حمایت فرانسه برای دوازده سال به دست آورد.

در انتظار لحظه‌ای هستند که تونی استروبل^۷ به عنوان یک پیشگویی توصیف کرده بود. استروبل یکی از اعضای پارلمان کاتالان بود که پدرش، تبعید شده‌ای به انگلستان در زمان دیکتاتوری فرانکو، همیشه به او می‌گفته:

Sandro Rossel - ۱

Senyera - ۲

Juan Laporta - ۳

La Razon - ۴

El Mundo - ۵

El Segadors - ۶

Tony Strubell - ۷

«روزی که نیوکمپ سرود استقلال سر می‌دهد، روزی خواهد بود که استقلال فرا می‌رسد.» طرفداران بارسلونا در یکی از بازی‌های لیگ مقابل گرانادا سرود را خوانده بودند، اما امروز بزرگتر بود، امروز در مقابل رئال مادرید بازی می‌کردند. زمانی که ساعت استادیوم به دقیقه ۱۴:۱۷ رسید، هم‌خوانی آغاز شد: «استقلال! استقلال.» یازدهم سپتامبر ۱۷۱۴ روزی که محاصره‌ی بارسلونا به پایان رسید، روزی که شهر مقابل حمله فیلیپ پنجم سقوط کرد.

کاتالان‌ها طرف اشتباهی را گرفته بودند، بدون کمک فرانسه مغلوب شدند. اما آن نبرد تبدیل به نطفه‌ی ایده‌ی «ایالت مستقل» شد، درست در نقطه‌ای که استقلال از دست رفته بود، آن‌ها این شکست را جشن می‌گیرند. چه در داخل و چه در خارج کاتالونیا از این موضوع به عنوان سمبل تفکر کاتالان یاد می‌شود و آغاز نظریه‌ای است که مادرید را دشمن همیشگی می‌پنداشت. فیلیپ پنجم همه‌ی ساختارهای سیاسی کاتالونیا را برانداخت و زبان کاتالانی را در مدارس ممنوع اعلام کرد و تا دوران ژانسنس‌آیا انقلاب فرهنگی که اواسط سال ۱۸۰۰ بود اجازه تنفس به هیچ کاتالانی را نداد. پارلمان کاتالان در سال ۱۹۱۴ تشکیل شد که توسط ژنرال میگوئل پریمو دِ ریورا^۳ در سال ۱۹۲۵ برانداخته شد. با سقوط پریمو دِ ریورا و آغاز انقلاب دوم، اولین دموکراسی واقعی اسپانیا، کاتالونیا صاحب یک دولت خود مختار شد، اما ظهور جنگ‌های داخلی اسپانیا و دیکتاتوری ژنرال فرانکو به همه‌ی آن بلندپروازی‌ها پایان داد.

بعد از مرگ او، امروزه کاتالونیا دارای خود مختاری معنی داری است، نظر سنجی‌ها نشان می‌دهند بیشتر از ۵۰ درصد کاتالان‌ها خواستار استقلالند. امروز این نبرد سیاسی به مرکزیت نیوکمپ در داخل و خارج زمین فوتبال ادامه دارد. امروز صبح مدافع بارسلونا جرارد پیکه^۴ پای خود را از همیشه فراتر گذاشت و اعلام کرد بارسلونا در مقابل رئال مادرید کاتالونیا در مقابل اسپانیاست. اما لاپورتا شکی نداشت: «به نوعی، این حقیقت دارد.» ادامه داد «این یک مقابله ورزشی با ارتباط‌های سیاسی است. مادرید همیشه نماینده‌ی اسپانیا و ما همیشه نماینده کاتالونیا بوده‌ایم.»

سرود استقلال تنها چیزی در اولین ال کلاسیکو ۱۳-۲۰۱۲ نیست که جلب توجه

Granada-۱

Renaixença-۲

General Miguel Primo de Rivera-۳

Gerrard Pique-۴

می‌کند. این بازی بارسا در مقابل مادرید است، در چند کلمه: نمادگرایی، هویت، سیاست، دشمنی... و بهترین فوتبال روی این سیاره. بازی مساوی تمام شد. هر تیم ده شوت زد، دو تیر دروازه برای هر طرف و دو گل برای هر تیم. سوت پایان بازی که به صدا درآمد، رضایت برقرار بود. اما دشمنی‌های حقیقی همیشه یک کار می‌کنند؛ خود را جاودانه می‌سازند. همان طور که یکی از بازیکنان بارسا گفته بود: «هر دفعه این بازی، بازی قرن است، حتی اگر سالی هشت بار برگزار شود.»

مربی مادرید خوزه مورینیو^۱ بعد از بازی گفته: «ما این جاییم و آن‌ها این‌جا» در حالی که دستانش را رو به جلو دراز کرده و در یک سطح نگه داشته بود.

بالتر از همه، رقابت کاتالونیا تبدیل به رقابت لیونل مسی و کریستانو رونالدو^۲ شد. رونالدو گل زد، بعد مسی، مسی گل زد و بعد رونالدو. اگر مادرید مقابل بارسلونا بزرگترین رقابت دنیای ورزش روی زمین است، نمی‌توان آن را بدون این دو بهترین بازیکنان جهان تصور کرد. مردانی که بر فوتبال حکمرانی می‌کنند و تعریف باشگاه‌های خود هستند، در شخصیت و در بازی، در سبک و در ذات. نمی‌توانید بدون یکی به دیگری اشاره کنید. در توییت^۳ تایپ کنید «رونالدو هت‌تریک کرده است.» و پاسخ‌ها را نگاه کنید. «یک هت‌تریک افتضاح»؛ از طرف یک کوله^۴ یا همان طرفدار بارسا، در حالی که یک مادریدیستا^۵ می‌نویسد: «از مسی که بهتر بود!» هواداران متعصب بهترین راه ممکن برای دیوانه کردن رونالدو را کشف کرده‌اند؛ دائماً مسی را در صورت او فریاد بزنند.

با رونالدو و مسی، رکوردها هفتگی شکسته می‌شوند. چهار گل آن‌ها بدین معنی است که آن‌ها دقیقاً در سال ۲۰۱۲ صد گل باشگاهی زده‌اند. مورینیو می‌گوید: «صحبت کردن در مورد بهترین بازیکن جهان باید ممنوع شود، چون هر دوی آن‌ها بسیار خوبند.» وقتی رونالدو بعد از ۲۲ دقیقه گل زد، این ششمین ال‌کلاسیکویی بود که پی در پی در آن گلزنی کرد، تنها بازیکنی در تاریخ که موفق به این کار شده است. مسی فقط یک گل با آن فردودی استفانو^۶ بهترین گلزن تاریخ ال‌کلاسیکو فاصله دارد، در حالی که تنها ۲۵ ساله است. «از سیاره‌ای دیگر» تیتیر پرفروش‌ترین روزنامه کشور بود.

Jose Mourinho – ۱

Cristiano Ronaldo – ۲

Twitter: شبکه‌ی اجتماعی معروف که به صورت متنی است

Cule – ۴

Madridista – ۵

Alfredo Di Stefano – ۶

سه ماه بعد از آن ال کلاسیکو، مسی برنده توپ طلا شد و رونالدو دوم. طرفداران بارسا می‌گفتند: طبیعی است. و مادریدی‌ها: این یک رسوایی است. چیزی که مراسم زوربخ نشان داد این بود که این دو چقدر بی‌نظیرند؛ این‌که چطور رئال و بارسا بر ورزش حکمرانی می‌کنند و چگونه کانون توجه ورزش جهان هستند.

مسی برای چهارمین سال پیاپی برنده توپ طلا شد، اول در تاریخ و رونالدو برای چهارمین بار دوم و یک بار برنده توپ طلا. در این میان بازیکنان رئال مادرید و بارسلونا برنده هشت توپ طلا بوده‌اند. زمانی که فیفا تیم سال را اعلام کرد، ده بازیکن از یازده بازیکن تیم، عضو رئال مادرید و بارسلونا بودند. توجیه قابل قبولی برای این‌که چرا پنج بازیکن از تیم انتخاب شده‌اند وجود داشت، برقراری مساوات. هیچ دو تیمی این‌گونه حکمران دنیای فوتبال نبوده‌اند و البته هرگز هیچ دو چنین دشمنی.

آن مردان و تیم‌هایشان بر همه سایه افکنده‌اند. وقتی که ساعت ال کلاسیکو ۱۷:۱۴ را در نیمه دوم نشان داد زمان فریاد یک صدای «استقلال» بود، که عده‌ای طرفداران بارسا آن را از دست دادند، آن‌ها مشغول شادی برای گل مسی بودند.

۲۲۵ ال کلاسیکو داشته‌ایم، رئال مادرید برنده‌ی ۹۰ بازی و بارسلونا ۸۷، عده‌ها به سرعت بالا می‌روند. اکتبر ۲۰۱۲ سیزدهمین ال کلاسیکو در کمتر از دو سال بود و تا پایان فصل سه ال کلاسیکوی دیگر برگزار می‌شد.

تمام این‌ها از مادرید در ۱۳ می ۱۹۰۲ آغاز شد. تنها چند صد متر پایین تر از سانتیاگو برنابئو^۱.

فوتبال به هیچ وجه مانند امروز نبود. بارسلونا با یک آگهی شصت و سه کلمه‌ای در روزنامه‌ی لوس دپورتس^۲ شروع کرد؛ از کسانی که می‌خواستند بازی را ببینند دعوت می‌کرد به دفتر روزنامه بروند. دوازده نفر رفتند. رئال مادرید با بازی‌های غیر رسمی در رتیرو پارک^۳ شروع کرد، جایی که نیمکت‌ها هفت، هشت نفر در هر طرف را پذیرفتند، عده‌ای گفتند بهتر بود وقت مان را با سیگار کشیدن و نوشیدن تلف می‌کردیم و عده‌ای هم نگاهی غیر اخلاقی به این ورزش داشتند: «جوون‌های بی‌حیا حالا جرات می‌کنند با شلوارک توی خیابان بروند. حتماً از نظر مغزی مشکل دارند.»

حدود دو هزار نفر اولین بازی بین بارسلونا و رئال مادرید را از نزدیک تماشا کردند.

۱- Santiago Bernabeu

۲- Los Deportes

۳- Retiro Park

نشسته بر روی صندلی‌هایی که از یک کاسب در بازار اجاره شده بود. امروزه ۹۸,۰۰۰ تماشاگر در پاییز ۲۰۱۲ برای تماشای بازی به نیوکمپ آمده بودند. دو میلیون نفر در اسپانیا از طریق تلویزیون‌های کابلی بازی را تماشا کرده‌اند. تعداد افرادی که در دسامبر ۲۰۱۱ ال‌کلاسیکورا در طریق شبکه‌های مجانی تماشا کرده‌اند نزدیک به ۱۲ میلیون نفر بوده است. شبکه‌های تلویزیونی اعلام کرده‌اند این بازی ۴۰۰ میلیون بیننده در سراسر جهان داشته است. این بازی از ۳۰ کشور جهان به صورت زنده به نمایش درآمده است.

آمارها در سال ۲۰۱۲ نشان می‌دهند باشگاه‌های رئال مادرید و بارسلونا بیشتر از هر باشگاه دیگری روی زمین درآمدزایی کرده‌اند.

مری سابق بارسلونا سربابی رابسون^۱ از ال‌کلاسیکو به عنوان بزرگترین بازی جهان نام برده است. فیفا رئال مادرید را به عنوان بهترین باشگاه قرن بیستم انتخاب کرد، فدراسیون بین‌المللی آمار و ارقام فوتبال هم بارسلونا را به عنوان بهترین تیم قرن ۲۱. در سال ۲۰۱۳ هر دو تیم در نیمه نهایی لیگ قهرمانان برای دومین سال پیاپی حذف شدند. اما از سال ۱۹۹۸ تنها دو باشگاه سه بار قهرمان لیگ قهرمانان اروپا شده‌اند:

رئال و بارسا. رئال مادرید^۲ سه بار قهرمان اروپا شده است، بیشتر از هر باشگاهی، بارسلونا چهار بار، سه قهرمانی در هفت سال و بیشترین قهرمانی بین‌المللی در جهان. این دو باشگاه به همراه اتلتیکو بلبائو^۳ تنها تیم‌هایی هستند که در تاریخ لالیگا همواره در دسته اول به رقابت پرداختند.

این دو تیم روی هم ۵۴ بار قهرمان لیگ شده‌اند. ۳۲ قهرمانی برای مادرید و ۲۲ قهرمانی برای بارسلونا. نزدیک‌ترین تعقیب‌کننده آن‌ها اتلتیکو مادرید^۴ با ۹ قهرمانی است و فقط به بازیکنانی نگاه کنید که برای این تیم‌ها بازی کرده‌اند: کوبالا، دی استفانو، مارادونا^۵، کرویف^۶، استویچکوف^۷، ژیبور^۸، پوشکاش^۹.

۱- Sir Bobby Robson

۲- Atletico Bilbao

۳- Atletico Madrid

۴- Maradona

۵- Johan Cruyff

۶- Stoichkov

۷- Zoltan Czibor

۸- Franc Puskas

سانچس^۱، بوتراگونو^۲، ناتزر^۳، شوستر^۴، اینیستا^۵، روماریو^۶، رونالدو^۷، رائل^۸، گواردیولا^۹، لادروپ^{۱۰}، لوئیز سوارز^{۱۱}، کوپا^{۱۲}، فیگو^{۱۳}، ریوالدو^{۱۴}، زیدان^{۱۵}، رونالدینیو^{۱۶}، کاسیاس^{۱۷}، ژاوی^{۱۸}، مسی، کریستیانو رونالدو همه برندگان بهترین بازیکن جهان در ۱۷ سال گذشته حداقل مقطعی در بارسلونا یا مادرید بازی کرده‌اند. آن‌ها دو هیولای گول پیکر دنیای فوتبالیست. نماد و معرف دو شهر بزرگ اسپانیا، دو شهر متفاوت با دو هویت متفاوت و ظاهراً محکوم به مقابله‌ای ابدی با یکدیگر، دو شهری که از نظر سیاسی، فرهنگی و بافت متفاوت هستند.

بارسلونا در کنار مدیترانه، رو به فرانسه و ایتالیاست. شهر مُد و سیاست اسپانیا. مادرید نشسته بر مرکز فلات کاستیل^{۱۹}، یا مِسْتا^{۲۰}، ۶۰۰ متر بالاتر از سطح دریا، سرد در زمستان و گرم در تابستان. رودی کوچک از میان آن می‌گذرد که قایقی در آن رفت و آمد نمی‌کند. فیلیپ دوم سال ۱۵۶۱ فقط به خاطر این که شهر در مرکز اسپانیاست، مادرید را پایتخت اعلام کرد. تابلویی در پوئرتا دل سول^{۲۱} کیلومتر صفر را نشان می‌دهد، تابلویی نمادین بدین معنا که همه‌ی راه‌های اسپانیا از مادرید آغاز

Sanchez -۱

Butragueno -۲

Natzer -۳

Schuster -۴

Iniesta -۵

Romario -۶

Ronaldo -۷

Raul -۸

Guardiola -۹

Michel Laudrup -۱۰

Luis Suarez -۱۱

Kopa -۱۲

Figo -۱۳

Rivaldo -۱۴

Zidane -۱۵

Ronaldinho -۱۶

Casilas -۱۷

Xavi -۱۸

Castile -۱۹

Meseta -۲۰

Puerta del Sol -۲۱: میدان اصلی شهر مادرید